■ رکوردشکنی‌های پی در پی بورس با واکنش‌های مختلفی در میان مسؤولان، کارشناسان و فعالان اقتصادی همراه شده است. مسأله اصلی مورد اختلاف میان موافقان و مخالفان تداوم وضعیت فعلی بازار سرمایه، نسبت بازار سرمایه با نقدینگی است؛ اینکه آیا بازار سرمایه «منزلگاه» نقدینگی است یا «پل» انتقال نقدینگی به تورم؟

«وطن امروز» رابطه بین رشد شاخص کل بورس و تورم را بررسی می‌کند

بورس؛ عامل یا مانع تورم؟

اکثر اقتصاددانان بر این باورند بازار سرمایه «منزلگاهی موقت» برای نقدینگی است، در حالی که فعالان این بازار و دولتی‌ها آن را «جاذب نقدینگی» می‌دانند

گروه اقتصادی: رشد بی‌سابقه بورس در ماه‌های اخیر با استقبال بسیاری از مردم همراه شده است به طوری که جریان عظیمی از نقدینگی جامعه هر ماه به سمت بورس روانه می‌شود. انتقال حجم زیادی از نقدینگی به بورس بی‌شک یکی از عوامل رشد شاخص بازار سرمایه در ماه‌های اخیر بوده است. از همین رو شاخص بورس اکنون به مرحله‌ای رسیده که فاصله چندانی با رکورد ۲ میلیون واحد ندارد. رکوردشکنی‌های پی در پی بورس اما با واکنش‌های مختلفی در میان مسؤولان، کارشناسان و فعالان اقتصادی همراه شده است. مسأله اصلی مورد اختلاف میان موافقان و مخالفان تداوم وضعیت فعلی بازار سرمایه، نسبت بازار سرمایه با نقدینگی است؛ اینکه آیا بازار سرمایه «منزلگاه» نقدینگی است یا «پل» انتقال نقدینگی به تورم؟

موافقان روند فعلی بورس که عموما مسؤولان و فعالان بازار سرمایه هستند، تداوم این روند را حائز دستاوردهایی از جمله «تامین مالی»، «هدایت و حبس نقدینگی» و در نهایت «کنترل تورم» می‌دانند. در مقابل مخالفان شرایط کنونی بازار سرمایه، تداوم این روند را به دلیل «افزایش سرعت گردش نقدینگی» و «جهت‌دهی به انتظارات تورمی» مخرب می‌دانند. «وطن امروز» در گزارش پیش‌رو، ابعاد مختلف این موضوع و دیدگاه‌های مختلف پیرامون آن را بررسی کرده است.



رشد خیره‌کننده شاخص بورس در ماه‌های اخیر، توجه بسیاری از مردم، کارشناسان و مسؤولان را به خود جلب کرده است. بسیاری از مردم سعی می‌کنند حداکثر نقدینگی در دسترس خود را به بازار سرمایه آورده و سرمایه خود را از گزند تورم حفظ و حتی چند برابر کنند. شواهد متعددی هم برای دیدن جریان ورود مردم به بورس و انتقال نقدینگی به این بازار وجود دارد. تشکیل صف ثبت‌نام «سجام» در دفاتر پیشخوان دولت حتی پیش از شروع ساعت کاری یکی از این شواهد عینی بود که البته با آغاز قرنطینه و غیرحضوری شدن ثبت‌نام سجام، این صف‌ها هم از بین رفت. هیجان مردم برای ورود به بورس و انتقال نقدینگی به بازار سرمایه اما در آمارها هم قابل مشاهده است. رئیس سازمان بورس در اولین نشست خبری خود در روز دوشنبه ۲ تیرماه، درباره روند ورود مردم به بازار سرمایه گفت: تعداد کدهای معاملاتی در سال ۹۸ به میزان ۸۲۰ هزار کد معاملاتی بوده، این در حالی است که در ۳ ماه ابتدایی سال ۹۹ این عدد به یک میلیون و ۶۰۰ هزار کد معاملاتی رسیده است. حسن قالیباف‌اصل با اشاره به آمار ثبت‌نام در سامانه سجام گفت: در سال ۹۸ دومیلیون و ۹۵۰ هزار نفر در سجام ثبت‌نام کردند که در سال ۹۹ به ۹ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر رسیده و بیش از ۶ میلیون نفر احراز هویت هم شده‌اند.

جریان میلیونی ورود مردم به بازار سرمایه بی‌شک با انتقال هزاران میلیارد تومان نقدینگی به این بازار همراه است. چنانکه رئیس سازمان بورس در همین جلسه درباره حجم نقدینگی منتقل شده به بازار سرمایه گفت: سال ۹۸ به میزان ۳۰ هزار میلیارد تومان وارد این بازار شد که در ۳ ماه ابتدایی امسال این رقم به ۵۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. وی همچنین درباره حجم جریان نقدینگی در این بازار گفت: ارزش معاملات کل سال ۹۸ رقم ۸۳۰ هزار میلیارد تومان بوده که در حال حاضر به ۸۷۰ هزار میلیارد تومان رسیده است.

■ استدلال موافقان روند فعلی بورس: «تامین مالی»، «هدایت» و «حبس نقدینگی»

انتقال نقدینگی به بازار سرمایه اما با واکنش‌های متفاوتی از سوی مقامات مربوط، اقتصاددانان و فعالان اقتصادی روبه‌رو شده است به طوری که آنها را به ۲ دسته موافقان و مخالفان روند کنونی بازار سرمایه تفکیک کرده است. موافقان وضع فعلی، روند رو به گسترش حضور مردم در بازار سرمایه و حجیم شدن این بازار را یک فرصت برای کشور می‌دانند و بر حمایت از این روند تاکید دارند. بخش قابل توجهی از این افراد، مسؤولان قوای مختلف بویژه دولت هستند که به دلایل مختلف، حامی روند فعلی سرریز جریان نقدینگی به بازار سرمایه هستند. بخش دیگری از موافقان هم فعالان بازار سرمایه هستند که چشم‌انداز اقتصاد کشور با تداوم روند کنونی را روشن ارزیابی می‌کنند. مهم‌ترین استدلال موافقان روند کنونی «افزایش سهم بازار سرمایه در تامین مالی تولید»، «جلوگیری از کوچ نقدینگی به سایر بازارها» و «تحقق هدایت نقدینگی» است.

از جمله مدافعان وضعیت کنونی بورس، فرهاد دژپسند، وزیر امور اقتصادی و دارایی است. دژپسند چندی پیش با بیان اینکه بازار سرمایه از آثار مخرب سایر بازارها مبراست، گفت: این بازار نقش ویژه‌ای در اقتصاد دارد و یکی از حلقه‌های مفقوده تامین مالی را به سرعت می‌تواند پر کند. وزیر امور اقتصادی و دارایی همچنین اعلام کرد: وقتی ارزش معاملات بازاری یک روز می‌تواند ۱۵ تا ۲۵ هزار میلیارد تومان باشد باید به این بازار با چشم دیگری نگاه کرد، زیرا از کوچ نقدینگی به بازارهای دیگر جلوگیری می‌کند.

حمایت دولتی‌ها از بازار سرمایه اما دلایل اعلام نشده دیگری هم دارد. در میان دولتمردان اما یک نفر انگیزه‌های متفاوتی برای حمایت از روند فعلی بازار سرمایه دارد. عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی به عنوان نفر اول مدیریت بازار پول و موسسات پولی، در کنار برنامه‌های خود برای مدیریت شاخص‌های پولی، نیم‌نگاهی به وضعیت بازار سرمایه دارد. حمایت همتی از بازار سرمایه در ۲ علت عمده نهفته است: وضعیت فعلی بازار سرمایه فرصت کم‌نظیری برای اصلاح ترازنامه بانک‌ها بویژه از طریق عرضه بنگاه‌ها و دارایی‌های زیرمجموعه بانک‌ها فراهم کرده است. از سوی دیگر رونق بازار سرمایه زمینه را برای اجرای هر چه بهتر عملیات بازار باز و فروش اوراق دولتی در این بازار فراهم می‌کند. تنور داغ بازار سرمایه باعث می‌شود توجه دولت برای تامین کسری بودجه از بانک مرکزی به بازار سرمایه تغییر کرده و خطر تامین کسری بودجه از طریق تزریق پایه پولی و بر باد رفتن برنامه‌های بانک مرکزی برای هدایت مدیریت نقدینگی از طریق عملیات بازار باز به حداقل برسد. از همین رو بود که چندی پیش همتی با بیان اینکه حدود ۹۰ درصد تامین مالی ایران از طریق شبکه بانکی بوده است، گفت: خوشبختانه اقبال خوبی به بازار سرمایه شده و جا دارد نقش بازار سرمایه در تامین مالی افزایش یابد. البته مسؤولان بازار سرمایه باید اقدامات احتیاطی لازم را در نظر بگیرند تا با مدیریت مناسب شاهد رشد مطمئن و منطقی باشیم.

■ تشدید «سرعت گردش نقدینگی» و «انتظارات تورمی»؛ دغدغه منتقدان

در مقابل دسته اول اما عده‌ای هم روند فعلی ورود مردم به بازار سرمایه و حجیم شدن این بازار را به دیده تهدید می‌نگرند و مخالف تداوم آن هستند. عمده مخالفان روند فعلی بازار سرمایه، کارشناسان اقتصادی هستند که به دلایل مختلف، تداوم وضع فعلی را خطرناک می‌دانند. مهم‌ترین استدلال منتقدان شرایط کنونی بازار سرمایه «سرعت گرفتن جریان نقدینگی» و بویژه «شکل‌گیری انتظارات تورمی» در جامعه است. در همین راستا روز گذشته ۲۵ نفر از کارشناسان اقتصادی با انتشار نامه‌ای خطاب به دولت ضمن بحرانی خطاب کردن وضع فعلی بازار سرمایه، خواستار اجرای اقداماتی مشخص برای کنترل این شرایط شدند.

در این نامه به موضوع سرعت گرفتن جریان نقدینگی اشاره شده و آمده است: «بازار پول در معرض تخریب از مجرای افزایش سرعت گردش پول و تبدیل هر چه سریع‌تر شبه‌پول به پول قرار خواهد گرفت و حتی فشار درونزایی برای خلق نقدینگی و پایه پولی مضاعف ایجاد خواهد کرد». در بخش دیگری از این نامه، مسأله دیگری درباره وضعیت فعلی بازار سرمایه مطرح شده است که به اعتقاد نگارندگان این نامه، مهم‌تر از تغییر شاخص‌های پولی است. نگارندگان این نامه با اشاره به شکل‌گیری انتظارات تورمی بر اثر جهش شاخص بورس اعلام کردند: «مسأله در اینجا بیش از اینکه مقدار کمی نقدینگی و پول باشد، تغییر در انتظارات و در نتیجه تغییر سرعت گردش پول است، بنابراین علل اصلی را باید در زمینه‌های تغییر انتظارات دید، تا کمیت‌های پولی. پیامدِ ادامه روند فعلی بازار بورس افزایش بیشتر تورم و نرخ ارز خواهد بود. این نگاه که با هدایت نقدینگی به بورس از قدرت آن کاسته می‌شود، از اساس خطاست. نقدینگی قابلیت انتقال و خروج از نظام بانکی را ندارد. با تغییر انتظارات از مجرای بورس، بدون کاسته شدن از قدرت کمی نقدینگی، سایر دارایی‌ها مانند ارز و مسکن دچار تغییر قیمت شده و در نهایت جهش قیمت در این بازارها خود را در بازار کالا و خدمات نیز نشان خواهد داد».

نگارندگان در بخش پایانی این نامه با منع مسؤولان از اطمینان‌دهی به مردم بابت تداوم روند صعودی بازار سرمایه، پیشنهاداتی به شرح زیر برای کنترل بحران پیش روی کشور ارائه داده‌اند:

۱- عرضه سریع دارایی‌های بورسی دولت
۲- افزایش نرخ سود بازار بین بانکی و سپرده‌های بانکی
۳- شتاب‌دهی به عرضه‌های اولیه
۴- توقف پیام‌دهی نسبت به تداوم روند رشد شاخص بازار سرمایه
۵- ممانعت بانک مرکزی از وام‌دهی بانک‌ها برای خرید سهام

کارشناس اقتصاد در گفت‌وگو با «وطن امروز» مطرح کرد

بورس، جلودار تورم



حسین درودیان، کارشناس اقتصاد و مدرس دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «وطن امروز» درباره اختلاف مسؤولان و کارشناسان اقتصادی کشور در رابطه با این دو گزاره که «بورس جاذب نقدینگی» است یا «محل گذار نقدینگی»، اظهار داشت: رشد نقدینگی در سال‌های اخیر بسیار شدید بوده است. دولت تدبیر و امید بر آتش این رشد دمیده و نه از لحاظ سیاسی و نه از نظر گفتمانی نتوانسته است راه درستی برای کنترل آن تبیین کند. وی اظهار داشت: این دولت با ایده مهار نقدینگی و تقبیح طرح‌هایی که افزایش‌دهنده نقدینگی می‌نامید روی کار آمد اما روند رشد نقدینگی را نتوانست مهار کند. این کارشناس اقتصادی افزود: موضوع این است که به دلیل کنترل تورم، این نقدینگی سرگردان نبود و به اصطلاح سرکوب شده بود اما حالا در حال آشکارسازی خود است. برای مثال این موضوع در بورس مشهود شده است. درودیان ضمن بیان این مطلب که نقدینگی در ایران بسیار «چوله» است، به شکل کلی طرح موضوعاتی مانند ونزوئلایی شدن اقتصاد ایران را رد و تصریح کرد: به طور کلی بخش عمده‌ای از مردم از نقدینگی سهم بالایی ندارند که بخواهند آن را مسیل کالاهای مصرفی کنند که باعث تورم کالاها شود. وی افزود: شیوه توزیع نقدینگی در کشور ما یک برآمدگی خیلی بزرگی دارد که در دست یک اقلیتی است و به همین دلیل ونزوئلایی شدن غیر ممکن است. در ونزوئلا مردم تورم را در یک بازار کالا و خدمات ایجاد می‌کردند اما چون در ایران نقدینگی در دست تعدادی معدود است، هدف آنها صرفا سفته‌بازانه است و به بازارهای دارایی ختم می‌شود. مدرس دانشگاه تهران گفت: رفتار سفته‌بازانه در بازار دارایی نمی‌تواند باعث تورم کالا و خدمات شود، بلکه می‌تواند اثرات غیرمستقیم روی قیمت‌ها داشته باشد. این رفتار سفته‌بازانه در بورس بسیار مشهود است. وی افزود: یکسری دارایی در کشور اگر افزایش قیمت داشته باشد می‌تواند روی تورم تاثیرگذار باشد اما این تاثیر غیرمستقیم است. برای مثال در سال‌های قبل این رشد در بازار ارز و مسکن رخ می‌داد و امروز این اتفاق در بازار سرمایه در حال رخ دادن است. به عبارت دیگر اهرم دارایی خودش را به قیمت کالا و خدمات تحمیل می‌کند. درودیان تصریح کرد: مکانیزم اهرم شدن ارز و مسکن مشخص است به طوری که هر زمان رشدی در این بازارها رخ دهد، روی قیمت تمام‌شده کالا و خدمات تاثیرگذار است اما بورس هیچ تاثیری روی هزینه تمام شده کالا ندارد، بلکه انتظار تورمی شکل می‌گیرد. در کنار انتظار تورمی، مطالبه‌ای که فعالان اقتصادی می‌کنند در نسبت با بازدهی بورس است و به همان نسبت در عملکرد خودشان تغییر ایجاد می‌کنند. این کارشناس اقتصادی تصریح کرد: ما نمی‌توانیم اقتصادی داشته باشیم که در یک بازار ۳۰۰ درصد بازدهی داشته باشد و در دیگر بازارها در بهترین شرایط ۴۰ درصد بازدهی شکل بگیرد، مسلما این روند روزی باعث سر ریز شدن بخشی از نقدینگی به سمت بازارهای دیگر می‌شود. حداقل این است پول‌هایی که مردم به بورس بردند و ارزش بسیار زیادی پیدا کرده، بالاخره یک روزی قرار است از این بازار خارج شود و نمی‌توان این حقیقت را کتمان کرد. درودیان گفت: دارایی می‌تواند پیشگامی در تورم باشد و تورم یک دارایی می‌تواند خودش را تبدیل به تورم کالا و خدمات کند، به زبان ساده بازدهی بورس خودش را به بازارهای دیگر تعمیم می‌دهد. پیش از این در ارز و ملک هم شاهد این موضوع رشد در بازار ارز و مسکن رخ می‌داد و امروز این اتفاق در بازار سرمایه در حال رخ دادن است. به عبارت دیگر اهرم دارایی خودش را به قیمت کالا و خدمات تحمیل می‌کند. درودیان تصریح کرد: مکانیزم اهرم شدن ارز و مسکن مشخص است به طوری که هر زمان رشدی در این بازارها رخ دهد، روی قیمت تمام‌شده کالا و خدمات تاثیرگذار است اما بورس هیچ تاثیری روی هزینه تمام شده کالا ندارد، بلکه انتظار تورمی شکل می‌گیرد. در کنار انتظار تورمی، مطالبه‌ای که فعالان اقتصادی می‌کنند در نسبت با بازدهی بورس است و به همان نسبت در عملکرد خودشان تغییر ایجاد می‌کنند. این کارشناس اقتصادی تصریح کرد: ما نمی‌توانیم اقتصادی داشته باشیم که در یک بازار ۳۰۰ درصد بازدهی داشته باشد و در دیگر بازارها در بهترین شرایط ۴۰ درصد بازدهی شکل بگیرد، مسلما این روند روزی باعث سر ریز شدن بخشی از نقدینگی به سمت بازارهای دیگر می‌شود. حداقل این است پول‌هایی که مردم به بورس بردند و ارزش بسیار زیادی پیدا کرده، بالاخره یک روزی قرار است از این بازار خارج شود و نمی‌توان این حقیقت را کتمان کرد. درودیان گفت: دارایی می‌تواند پیشگامی در تورم باشد و تورم یک دارایی می‌تواند خودش را تبدیل به تورم کالا و خدمات کند، به زبان ساده بازدهی بورس خودش را به بازارهای دیگر تعمیم می‌دهد. پیش از این در ارز و ملک هم شاهد این موضوع بودیم. مدرس دانشگاه تهران ضمن بیان اینکه جاذب نقدینگی بودن بورس یک شوخی بیش نیست، گفت: به طور کلی قرار نیست با بورس نقدینگی جذب شود و در بورس کاهش هم نمی‌یابد، بلکه صرفا در بورس نقدینگی گردش پیدا می‌کند. در کنار این شوک قیمتی ایجاد شده در بورس می‌تواند اثر تورمی در دیگر بازارها داشته باشد. درودیان در پاسخ به این سوال که طیفی از کارشناسان با نظریه شما مخالفند و می‌گویند تورم بورسی می‌تواند از دیگر تورم‌ها جلوگیری کند، اظهار داشت: پیش از روند تصاعدی بورس این موضوع زیاد مطرح می‌شد که بازار سرمایه می‌تواند ضربه‌گیر تورم کالاها و خدمات شود اما امروز که بورس روند صعودی دارد و به موازات آن تورم را شاهد هستیم، عملا این موضوع نفی شده است. وی در پایان گفت: بر اساس آنچه در سال‌های اخیر در اقتصاد ایران دیده‌ایم، بورس می‌تواند اثرات تورمی و انتظاری ایجاد کند و با رشد شاخص‌های بورس شاهد افزایش قیمت کالاها باشیم.

کارشناسان درباره تورم‌زایی یا تورم‌زدایی بازار سرمایه چه می‌گویند؟

دولت اصلی‌ترین منتفع شرایط کنونی بورس



حیدر مستخدمین حسینی: اگر بخواهیم خوش‌بینانه نگاه کنیم، دولت با هدایت نقدینگی به سمت بورس میزان نقدینگی را کاهش می‌دهد، یعنی نقدینگی واردشده به بورس که به سهام تبدیل شده سوخت می‌شود و به اصطلاح آب می‌رود، در نتیجه این موضوع می‌تواند به کاهش تورم منتهی شود که این موضوع در نهایت به نفع مردم است. از سوی دیگر با کشاندن سرمایه‌ها به سمت بازار بورس، بازار ارز کنترل می‌شود و این اقدام تا حدودی می‌تواند مانع از افزایش نرخ ارز به دلیل کاهش سوداگری در این بازار شود. برخی کارشناسان بر این باورند دولت به دنبال جبران کسری بودجه است. حقیقت این است که دولت اصلی‌ترین منتفع از شرایط کنونی است. دولت این روزها بازار سرمایه را نشان کرده و با تمام توان مردم را تشویق به سهامداری می‌کند. امیدوارم تحلیل ما و دیگر کارشناسان مبنی بر تلاش دولت برای تأمین کسری بودجه از طریق بورس اشتباه باشد و در نهایت این مسیر منجر به کاهش تورم و کاهش نرخ ارز شود. اگر اینطور نباشد، ریزش بازار بورس و از دست رفتن سرمایه‌های خرد مردم وضعیت بسیار وخیمی را برای کشور ایجاد می‌کند.

بورس، جاذب نقدینگی و سپری در برابر تورم



علی سعدوندی: بورس جاذب نقدینگی است و اگر ما در حال حاضر ابرتورم نداریم، تنها یک دلیل دارد و آن هم بورس است. بورس اما به سمت گران شدن و حبابی شدن پیش می‌رود. معمولا زمانی که بورس حبابی می‌شود، این حباب در بازار اوراق تخلیه می‌شود و البته به قدری هم این تخلیه انجام شده است. سعدوندی با هشدار نسبت به تبعات ریزش بورس، گفت: اگر بازار بورس دچار ریزش شود برای کشور خیلی تبعات خواهد داشت و ما دیگر نمی‌توانیم تورم را به این راحتی کنترل کنیم. توصیه من این است که کسری بودجه از راه اوراق تأمین شود و نه از راه تزریق گسترده به بازار بورس.

این کارشناس اقتصاد گفت: باید در عمل دید اگر بازار را متعادل نگه داریم، دولت چه مقدار می‌تواند اوراق بفروشد. این احتمال وجود دارد که اگر بخواهید بازار را متعادل نگه دارید بیشتر از پولی که به دست می‌آید باید برای ثبات بازار هزینه کنید.

وی افزود: بازار بورس ممکن است ظرفیت تأمین کسری بودجه را نداشته باشد. در اینکه ثبات بورس ارجح است بر استفاده ابزاری از بورس برای تأمین کسری بودجه شکی نیست، چون اگر بورس بریزد منابعی که دست مردم است وارد بخش بازار و خدمات شده و باعث رشد شدید قیمت‌ها خواهد شد.

بورس زمینه‌ساز تورم می‌شود



مسعود نیلی: یکی از پدیده‌های جالب توجه حال حاضر اقتصاد ایران، همزمانی بیش‌فعالی بازار سرمایه و رکود عمیق (شاید یکی از عمیق‌ترین‌ها) آن است. مدتی است ۲ تصویر متضاد در قاب اقتصاد ایران جلوه‌نمایی می‌کند. در حالی که بنگاه‌های اقتصادی در تقلای حیات و ممات، فشارهای کمرشکنی را تحمل می‌کنند و آینده روشنی برای خود نمی‌بینند، ارزش سهام آنها به صورت جهشی افزایش پیدا می‌کند. در یک طرف رشدهای «سالانه» صفر یا منفی تولید و رشدهای منفی بزرگ سرمایه‌گذاری قرار دارد و در طرف دیگر رشدهای «روزانه» بالا و مثبت ارزش سهام آنها! داستان چیست؟ بازار دارایی دارد با هجوم نقدینگی مواجه می‌شود و جهش‌ها در این بازار شکل می‌گیرد. با افزایش بیشتر قیمت انواع دارایی، پس‌اندازهای پولی کوچک و ترسان هم به این سمت سرازیر می‌شوند. وقتی قیمت انواع دارایی افزایش پیدا می‌کند، در گام بعدی، صاحبان کوچک و بزرگ این دارایی‌های قیمتی، به فکر می‌افتند که بخشی از این منابع افزایش‌یافته را تبدیل به کالاهای مصرفی زندگی خود کنند؛ بنابراین بخشی از این دارایی‌ها را می‌فروشند و سراغ کالاهای مصرفی بادوام و کم‌دوام می‌روند. پس جهش‌های قیمتی در بازار دارایی تعدیل می‌شود و در مقابل، افزایش جدید قیمت‌ها به معنی تورم، در بازار کالا و خدمات شکل می‌گیرد.

بورس مسبب ایجاد وضعیت تورمی نیست



فردین آقابزرگی: بورس مسبب ایجاد وضعیت تورمی نیست؛ نه تنها بازار سرمایه حتی بازار سکه، ارز، خودرو یا مسکن هم هیچ‌کدام به تنهایی نمی‌توانند تورم را کاهش یا افزایش دهند، بلکه متغیرهای اثرگذار بر وضعیت اقتصادی عامل مهمی در افزایش تورم و دامن زدن به نگرانی‌های مردم برای ورود به این بازارها جهت حفظ ارزش دارایی‌های‌شان است. متغیرهای اصلی مثل افزایش نقدینگی است که تورم را بیشتر می‌کند، لذا با توجه به اینکه سودآوری بازار سرمایه نمود بیشتری نسبت به سایر بازارها دارد، تغییرات آن از سایر بازارها زودتر نمایان می‌شود. به هر حال درباره بازار سرمایه نتیجه‌گیری‌ها نباید اینگونه باشد که بورس باعث افزایش تورم می‌شود، در حالی که بورس خود متأثر از تاثیرات متغیرهای اقتصادی است. در این میان افزایش شدید و فزاینده شاخص‌ها در بورس یکی از عواملی است که بینندگان و فعالان اقتصادی را دچار حساسیت می‌کند. در حقیقت بازار سرمایه ضربان اقتصاد کشور را زودتر از سایر بازارها نشان می‌دهد. در واقع با افزایش شاخص‌ها در بازار سرمایه آن هم زمانی که حال اقتصاد خوب نیست، می‌توان متوجه شد وضعیت در سایر بازارها هم وخیم است، لذا بازار سرمایه اولین بازاری است که شرایط انتظارات تورمی را برجسته‌تر نشان می‌دهد اما خود عامل صد درصدی ایجاد انتظارات تورمی نیست.